



111777



دانشگاه پشاور و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در (زبان و ادبیات فارسی)

عنوان:

فرهنگ تلمیحات، اشارات و اصطلاحات
« یوسف و زلیخا » و « لیلی و مجنون »
عبدالرحمن جامی

استاد راهنما:

دکتر عبدالله واثق عباسی

استاد مشاور:

دکتر محمد علی زهرا زاده

تحقیق و نگارش:

علی رضا آبدہ

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

آبان ۱۳۸۷

۱۱۱۷۲۷



بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان فرهنگ تلمیحات، اشارات و اصطلاحات «یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون» جامی قسمتی از برنامه ی آموزشی دوره ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو علی رضا آبدہ تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر عبدالله واثق عباسی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

علی رضا آبدہ

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۵ توسط هیئت داوران بررسی و درجه **بسیار خوب** به آن تعلق گرفت.

تاریخ	امضاء	نام و نام خانوادگی	
۱۳۸۷/۸/۵		دکتر عبدالله واثق عباسی	استاد راهنما:
			استاد راهنما:
		دکتر محمد علی زهرا زاده	استاد مشاور:
		دکتر محمد میر	داور ۱:
		دکتر محمد امیر مشهدی	داور ۲:
		دکتر رضا رضایی	نماینده تحصیلات تکمیلی:



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب علی رضا آبدہ تأیید می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: علی رضا آبدہ

امضاء

به یاد مهربان صمیمی پدر

و

تقدیم به مادرم که ترنم شعر را به من چشاند.

سپاسگزاری

خداوند را سپاس که چندی توفیق بهره مندی از ترنم ادب و حکمت رابه بنده عطا فرمود. بی تردید توان اندک ووسع محدود حقیر را یارای آن نبوده و نیست تا از دریای عظیم ادب پارسی جرعه ای بگیرم ، لیکن آنچه محقق شد لطف الهی و حاصل همراهی و مدد رسانی اساتید و بزرگوارانی بود که برخود لازم می دانم زحمات بی دریغ آنان را شکر گزار باشم .

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر عبدالله و ائق عباسی که راهنمایی این پایان نامه رابه عهده داشتند و بذل عنایت و رهنمودهای سازنده ایشان همواره چراغ راهم بوده است سپاسگزارم . نیز از استاد عزیزوار جمندم جناب آقای دکتر محمدعلی زهرازاده که با لطف و بزرگواری مشاوره این رساله را پذیرفتند تقدیر و تشکر می نمایم. همچنین از تک تک اساتید بزرگوارم در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان که در مدت تحصیل از سایه سار معرفتشان بهره برده ام بی نهایت سپاسگزارم . زحمات بی دریغ همسر م را که پیوسته در مراحل انجام این تحقیق با شکیبایی همگام و همراهم بودمی ستایم . و از خداوند متعال برای همه عزیزان سلام و سعادت آرزو دارم .

چکیده

بدون تردید شاعر برای انتقال مقاصد خویش باید ابزار زبان و کلمات را به کار گیرد و استفاده از اصطلاحات و تعابیر متعدد متناسب با وسعت اطلاعات شاعر و نویسنده امری مسلّم است. برای پی بردن به عمق مقصود شاعر و نویسنده آگاهی مخاطب از اصطلاحات و تلمیحات و اشارات بسیار سودمند بلکه لازم می باشد. لذا هدف از نگارش این رساله، توضیح تلمیحات و اشارات و اصطلاحات عرفانی- اخلاقی، فلسفی - کلامی، و نجومی و اعلامی است که در دو اثر یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون نورالدین عبدالرحمن جامی آمده است.

این پایان نامه بر اساس هفت اورنگ عبدالرحمن بن احمد جامی تصحیح مرتضی مدرس گیلانی به ترتیب ذیل تنظیم شده است. فصل اول: آیات و احادیث. فصل دوم: اصطلاحات که شامل اصطلاحات عرفانی- اخلاقی- مذهبی، فلسفی- کلامی و نجومی است. فصل سوم اعلام: که شامل اعلام اشخاص و غیر اشخاص می باشد. متناسب با نوع اعلام قسمت اعلام اشخاص شامل اعلام اساطیری، ، سامی- اسلامی و تاریخی است و در قسمت اعلام غیراشخاص نیز به علت وجود تعداد چشمگیر اعلام مکانها این قسمت از سایر موارد جدا شده است. در ادامه برای دسترسی آسانتر به محتوای مطالب، فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اصطلاحات، نمودار بسامدی اصطلاحات عرفانی و فهرست اعلام آمده است و در پایان منابع تحقیق تحت عنوان فهرست منابع و مأخذ در دسترس مخاطب قرار گرفته است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه :
۱۱.....	فصل اول : آیات و احادیث
۳۱.....	فصل دوم : اصطلاحات
۳۲.....	بخش اول : اصطلاحات عرفانی - اخلاقی - مذهبی
۶۳.....	بخش دوم : الف . اصطلاحات فلسفی - کلامی
۷۶.....	ب . اصطلاحات نجومی
۹۶.....	فصل سوم : اعلام
۹۷.....	بخش اول : اعلام اشخاص
۹۷.....	الف . اساطیر
۱۰۰.....	ب . سامی - اسلامی
۱۴۱.....	ج . تاریخی
۱۴۷.....	بخش دوم : اعلام غیر اشخاص
۱۷۴.....	الف . مکانها
۱۶۰.....	ب . متفرقه
۱۶۵.....	ضمائم
۱۶۶.....	فهرست آیات
۱۷۱.....	فهرست احادیث
۱۷۱.....	فهرست اصطلاحات
۱۷۶.....	پرکاربردترین اصطلاحات عرفانی
۱۷۸.....	فهرست اعلام
۱۸۱.....	فهرست منابع و مأخذ

مقدمه:

زندگی و شعر جامی:

عمادالدین یا نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد جامی بزرگترین دانشمند و شاعر ایران در قرن نهم بود. پدرش از مردم محله دشت اصفهان بود و نسبش از یک سو به امام محمد شیبانی و از سوی دیگر به شیخ الاسلام احمد ژنده پیل جامی عارف مشهور قرن پنجم می رسد. خانواده اش در خَرچرد جام ساکن شده بودند و وی در ۲۳ شعبان ۸۱۷ در آنجا ولادت یافت. در جوانی که همراه پدرش از جام به هرات رفت با وی در آن شهر ساکن شد و در همان زمان شاعری آغاز کرد و چندی دشتی تخلص می کرد. در همان زمان که به تحصیل علوم متداول زمان مشغول بود مجذوب طریقه تصوف شد و در حلقه مریدان سعدالدین محمد کاشغری عارف مشهور و جانشین بهاءالدین نقشبند (متوفی در ۸۶۰) درآمد. در ضمن نحو و صرف، منطق، حکمت مشایی، حکمت اشراق، طبیعیات، ریاضیات، فقه، اصول، حدیث، قرائت، تفسیر و تصوف را فرا گرفت و در این زمان در مدرسه نظامیه هرات ساکن بود و نزد معروفترین دانشمندان زمان تحصیل علم کرد. چنانکه مختصر تلخیص و شرح مفتاح و مطول و حاشیه آن را از مولانا جنید اصولی فرا گرفته و سپس به درس خواجه علی سمرقندی از شاگردان سید شریف گرگانی و شهاب الدین محمد جاجرمی از شاگردان سعدالدین تفتازانی رفته و پس از آن بسمرقند رفته و در درس قاضی زاده رومی و فتح الله تبریزی که در دستگاه آغ بیک صدارت داشته است و ملاعلی قوشچی حاضر شده است و پس از آن به هرات بازگشته و پس از مرگ سعدالدین کاشغری در حلقه مریدان خواجه ناصرالدین عبیدالله معروف به خواجه احرار درآمد است.

در این میان یک سفر به مرو، سفری در ۸۷۰ به سمرقند، سفر دیگری در ۸۸۴ به سمرقند و فارات و تاشکند داشته است. در سال ۸۸۷ از راه خراسان و همدان و کردستان و بغداد و کربلا و نجف و دمشق سفری به حجاز کرده است و این سفر از اواسط ربیع الاول ۸۷۷ آغاز شده و چند ماه طول کشیده است. (نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۸۵-۲۸۶) جامی در شعر مرتبه ای بلند دارد چنانکه او را به حق آخرین استاد بزرگ شعر فارسی باید شمرد که بعد از بزرگترین استادان پارسی گوی قرن هفتم و هشتم در ایران ظهور کرده و در مقامی قریب به آنان قرار گرفته است. (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۶۰) جامی بقیه عمر خود را صرف امور ادبی و ادمه روابط نزدیک

و محترمانه خود با دربار سلطان حسین بایقرا و رجال و شخصیت های بزرگ معاصر خود کرد تا به سال ۸۹۸ هـ در هشتاد و یک سالگی در هرات بدرود حیات گفت. (همان: ۳۵۶)

چنانکه از آثار و اقوال جامی استفاده می شود وی در شمار صوفیه زمان خود بود و از سلسله نقش بندی که پیشواور رئیس آن خواجه بهالدین محمد بخاری است به وسائط اجازه ذکر و تلقین داشته است. به این مسلک ارادت زیاد می ورزید لکن مانند بسیاری از مشایخ و صوفیه که ذکر و تلقین و دستگاه ارشاد را برای جمعیت اسباب ظاهر و ریاست بر مردم روزگاری خواسته اند قرار نداد بود. جامی برخلاف گمان بعضی از مردم، به تصوف از نظر آنکه این مسلک نتیجه افکار ایرانیان است نمی نگرد بلکه علت ایمان وی به این روش از آن جهت است که آن را حقیقت اسلام و رقیقه آن می داند. (مدرس گیلانی، ۱۳۸۵: ۸ مقدمه)

در نسخه ای از دیوانش که در کتابخانه سپهسالار است قصیده ای در مدح حضرت امیر (ع) دارد و در مقدمه اش ذکر کرده است که دیوانش را اولاً به ترتیب حروف قافیه منظم کرده است سپس بر حسب نوع قصاید به این ترتیب لحاظ نموده است: آنچه درباره مدح و ثنای خداوند باری تعالی است، آنچه درباره ستایش و مدح حضرت پیامبر اکرم (ص) می باشد و نیز مناقب و مدح حضرت امیر المؤمنین (ع) و ائمه علیهم السلام و بعد آنچه مربوط به مدح پادشاه زمانش شاه سلطان حسین میرزا بایقرا متوفی ۹۱۱ و سپس آنچه در زمینه نصیحت و موعظه سروده است و در غزلیات و مقطعات و رباعیات حروف قافیه را رعایت کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۱۸۷-۱۸۸)

آثار منظوم جامی:

جامی دیوانهای سه گانه خود را در سال ۸۹۶ بمناسبت سه دوره حیات خود تنظیم کرد و آنها را به ترتیب فاتحه الشباب و واسطه العقد و خاتمه الحیوه نامید و مسلماً در این کار به امیر خسرو دهلوی نظر داشت که در قرن نهم از مقتدایان بزرگ شعر شمرده می شد و دیوان خود را بنا بر سه دوره حیات به سه قسمت تقسیم کرد و به مناسبت بر هر یک نامی نهاد. سه دیوان جامی مشتمل است بر قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات. اما هفت اورنگ جامی که از زبده ترین آثار جامی تشکیل می شود شامل این مثنویهاست:

اورنگ اول (سلسله الذهب، مثنوی ای است طولانی به بحر خفیف مسدس مخبون، در وزن فاعلاتن مفاعیلن فعّیلن در ذکر حقایق عرفانی که از سه دفتر فراهم می آید.

اورنگ دوم (مثنوی سلمان یا سلمان و ابدال به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن حاوی اشارات عرفانی و اخلاقی همراه با حکایات و تمثیلات، این منظومه مثنوی رمزی مبتنی

است بر داستان سلمان و ابراهیم که ابن سینا در کتاب الاشارات و التنبیهاات بدان اشاره دارد و خواجه نصیرالدین طوسی آن را در شرح اشارات توضیح داده و جامی از مبانی و رموز آن در این داستان استفاده کرده و آن را به صورت مشروحی درآورده است.

اورنگ سوم) تحفه الاحرار، منظومه ایست به بحر سریع مسدس مطوی مکشوف، در وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن، در وعظ و تربیت همراه با حکایات و تمثیلات بسیار در بیست مقاله.

اورنگ چهارم) سبحة الابرار، منظومه ای است در بحر رمل مسدس مخبون محذوف و وزن فاعلاتن، فاعلاتن، فعلن، در ذکر مقامات سلوک و تربیت و تهذیب.

اورنگ پنجم) یوسف و زلیخا، به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف و وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل(فعولن) در ذکر داستان یوسف و زلیخا چنانکه مشهور است. جامی این منظومه عالی داستانی و عشقی را برای نظیره سازی بر خسرو و شیرین نظامی آفریده است.

اورنگ ششم) لیلی و مجنون به بحر هزج مسدس اخرج مقبوض محذوف یعنی بر وزن و به پیروی لیلی و مجنون نظامی (مفعول مفاعیلن فعولن).

اورنگ هفتم) خردنامه اسکندری به بحر متقارب مثنی محذوف و وزن فعولن فعولن فعولن فعل، در ذکر حکم و مواعظ از زبان فیلسوفان یونان که هر یک را به عنوان خردنامه نامیده است مثلاً خردنامه ارسطاطالیس و خردنامه سقراط و جز آنها. (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۳۵۹-۳۶۰)

آثار منثور جامی:

جامی همچنانکه در شعر سرآمد گویندگان دوران تیموری است در نثر توانا و صاحب قلمی شیواست وی نویسنده ایست که توانست شیوه نثرنویسان با ذوق پیشین را در دوران بی ذوقهای همکاران معاصرش دنبال کند. از مهمترین آثار ادبی او کتاب «بهارستان» است که جامی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نوشته ولی مسلم است که قصد او در این کار ساده تر کردن انشای متذوقانه سعدی در شاهکارش بود. اثر بسیار معروف دیگر جامی نوحات الانس است که آنرا می توان از امتهات کتب در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان از آغاز کار آنان تا عهد مولف دانست این کتاب را جامی به پیشنهاد امیر کبیر علیشیرنویابی در سال ۸۸۳ نگاشت. کتاب دیگر جامی که ارزش انشایی آن قابل توجه است کتاب «لوايح» اوست که رساله ای است کوتاه مشتمل بر سی لایحه با انشای مسجع و مشتمل بر ذکر حقایقی چند از عرفان که هر یک به صورت لایحه ای مذکور افتاده و در پایان هر لایحه یک یا چند رباعی به مناسبت آمده است.

دیگر از آثار زیبای جامی کتاب اشعه اللمعات است در شرح لمعات عراقی شاعر. (همان: ۵۱۵-۵۱۷) آثار منثور و رسائل جامی بسیار است سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی نام هفتاد و هفت اثر منثور جامی را آورده است. (نفیسی، ۱۳۴۴، ج: ۱، ۲۸۷-۲۸۹)

یوسف و زلیخا:

اصل داستان یوسف و زلیخا از تورات و قرآن نشأت می گیرد اگرچه تفاوت‌هایی میان روایت تورات و قرآن هست حدیث دلدادگی زلیخا به یوسف، تا آنجا در ادبیات فارسی زبانزد خاص و عام شده که چندین کتاب مستقل در دوره های گوناگون تاریخی توسط شاعرانی چون جامی، آذر بیگدلی، شهاب ترشیزی و چندین نفر دیگر به نظم درآمده. (باحقی، ۱۳۸۶: ۲۴۵) منظومه یوسف و زلیخای جامی به بحر هزج، حق عشق و عاشقی را به خوبی ادا کرده و اسرار دلدادگی را باز نموده و این داستان را در ردیف داستانهای عشقی دیگر درآورده است. (خرزائی، ۱۳۸۰: ۶۸۵) نخستین داستان منظوم یوسف و زلیخا را به حکیم ابوالقاسم فردوسی نسبت می‌دهند. این منظومه منتسب که به بحر متقارب است با این بیت آغاز می شود

الف لام را تلک آیات را بخوان تا بدان حکایات را

بعضی از اهل تحقیق اشعار این داستان را سست یافته و شایسته مقام فردوسی ندانسته اند، عده ای هم پنداشته اند چون حکیم فردوسی شاعر رزمی ست از عهده اشعار بزمی چنانکه باید برنیامده است. ولی کسانی که داستانهای عشقی زال و رودابه یا بیژن و منیژه را در شاهنامه خوانده باشند توانایی شاعر طوس را در بیان رموز عشق و اسرار محبت به خوبی در می یابند. جمعی معتقدند که محدودیت شاعر به حدود قرآنی موجب قصور در ادای حق داستان شده است چون این منظومه را در دارالسلام بغداد به دستور خلیفه سروده می بایست از مضامین قرآنی تجاوز نکند و شاید این قول پسندیده تر از اقوال دیگر باشد. (همان: ۶۸۴-۶۸۵) داستان یوسف در سیصد و چهارصد هجری به اندازه ای بلند آوازه شد و مردم آن روزگار شوق دانستن وقایع یوسف را خواهان شده بودند که شعرائی مانند ابوالمؤید بلخی، گرگانی - که به غلط یوسف و زلیخای او را به فردوسی نسبت داده اند - بختیاری و بعد از آنان استاد عمق بخارائی، جمال اردستانی، عبدالرحمن جامی، ناظم هروی، شوکت بخارائی، موجی بدخشانی، مسعود قمی، محمود بک سالم، مقیم قزوینی، لطفعلی بیک آذر، شهابی ترشیزی خراسانی منجم مشهور، حشمت و جز اینها نیز این داستان را به شعر آورده اند. مشهور

است که ده تن از شعرای دوره ملوک آل عثمان در ترکیه در قرن دهم هجری این را به ترکی منظوم ساخته اند. شاید بتوان به جرأت ادعا کرد که هیچ کدام به شیوایی و شیرینی مثنوی استاد جامی نیست. اما آنانکه این حکایت را به نثر تألیف و تفسیر به تازی و پارسی کرده اند بسیارند. بعضی از آنها از این قرار است. بحرالمرحبه امام حجت الاسلام محمد غزالی به تازی و کتاب اسرارالمحبه تألیف احمد طوسی برادر غزالی و... (مدرس گیلانی، ۱۳۸۵، مقدمه: ۳۱) بنا به گفته مدرس گیلانی این مثنوی در سال ۸۸۸ هـ توسط جامی سروده شده است. (همان: ۳۰) جامی منظومه یوسف وزلیخارابه بحر هزج مسدس محذوف در چهار هزار بیت سروده است.

لیلی و مجنون:

لیلی معشوقه معروف مجنون است که در ادب فارسی مظهر کامل عشق و نماینده تام معشوق شاعران شده است. در ادب عرفانی فارسی لیلی مظهر عشق ربانی و الهی است و مجنون مظهر روح ناآرام بشری است که بر اثر دردها و رنجهای جانکاه دیوانه شده، در صحرای جنون و دلدادگی سرگردان است و در جستجوی وصال حق به وادی عشق درافتاده، می خواهد به مقام قرب حضرت لایزال واصل شود اما به این مقام نمی رسد مگر روزی که از قفس تن رها شود. (یا حقی، ۱۳۸۶: ۷۳۲) ادب غنایی فارسی و ترکی مملو از داستان این دواست که سرآغاز آنها تقریباً لیلی و مجنون نظامی گنجوی است. این اثر بعدها به شدت مورد توجه و تقلید شعرای متعدد قرار گرفت که از آن میان، منظومه امیر خسرو دهلوی، مکتبی شیرازی، ثنایی مشهدی، عبدالرحمن جامی، صبای کاشانی، قاسم گنابادی، هاتفی جامی به زبان فارسی و امیر علیشیرنوایی و فضولی بغدادی به ترکی بیش از همه شهرت یافته اند. (همان: ۷۳۳) اصل این داستان عشقی از تازی به پارسی و غیره راه یافته است. (مدرس گیلانی، ۱۳۸۵، مقدمه: ۳۲) شعرایی که داستان لیلی و مجنون را به اجمال و تفصیل یاد کرده اند بسیارند. از آن جمله اند: نظامی گنجوی، امیر خسرو دهلوی، اشرف مراغه ای، آذر اسفراینی نیشابوری، مکتبی شیرازی، عبدالرحمن جامی، سهیل چغتایی، میرحاج گونابادی، هاتفی جامی هروی، هلالی استرآبادی، قاسمی گونابادی، اسیر تربتی، هدایت رازی، ضمیری اصفهانی، محمد شریف کاشف، روح الامین شهرستانی، سالم ترکمان، نامی اصفهانی، نصیبی کرمانشاهی، ناصر هندی. (همان: ۳۳) عبدالرحمن جامی این مثنوی را در سه هزار و هشتصد و شصت بیت سروده است.

کوتاهی این بلند بنیاد در هشتصد و نه فتاد و هشتاد

ورتو بشمار آن بزی دست باشد سه هزار و هشتصد و شست

(هفت اورنگ: ۹۱۰)

اصطلاح و تلمیح:

اصطلاح کردن: نهادن با یکدیگر، متداول کردن لفظی برای معنی خاصی. (لغ) اتفاق کردن جمعی بر استعمال کردن لفظی در معنی معینی. مثال: اهل هر علم الفاظ عمومی تکلمی را در معانی اصطلاحی خودشان استعمال می کنند. (نظام) منظور از اصطلاح یک یا چند کلمهٔ مرکب است که واحد مستقلی از نظر معنا درست کند و به چیزی یا اندیشه ای ارجاع داده شود، مثل اصطلاح «ادبیات داستانی» که در بر گیرندهٔ قصه، داستان کوتاه، رمان و رمانس و انواع وابسته به آنهاست. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۲) تلمیح، آن است که در ضمن کلام به داستان، شعریا مثلی اشاره شود به گونه ای که آن داستان، شعر و یا مثل برای مخاطب تداعی شود. (بن عمر تفتازانی، ۱۴۲۲ هـ ق: ۷۳۰) تلمیح به معنی با گوشه چشم اشاره کردن، آن است که شاعر یا نویسنده در اثر خود اشاره ای ضمنی و کوتاه به حادثه، شخص، اسطوره، داستان، ضرب المثل یا گفتهٔ معروفی بکند. بدین ترتیب نویسنده با ایجاد تداعی خواننده را در تجربه ای که خود از این مقوله دارد سهیم می کند و به سخن خود عمق و تأثیر بیشتری می بخشد. استفاده از تلمیح نشانهٔ وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی نویسنده یا شاعر است و مایهٔ لطف کلام او می شود. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۷۰)

پیشینه کار:

نورالدین عبدالرحمن جامی از شاعران بزرگ فارسی سرا و از بزرگترین شاعران زمان خویش است. هر چند آثار این شاعر مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است اما در مقایسه با شاعران بزرگ قبل از خودش کمتر به آن پرداخته شده است. در زمینهٔ کتابهایی که در مورد آثار جامی نوشته شده است تا جایی که نگارنده اطلاع حاصل کرده است بیشتر به تحلیل و بیان افکار و عقاید شاعر پرداخته شده است و یا مسائل عرفانی مطرح شده در آثارش مورد توجه قرار گرفته است، از جمله کتابهایی که در مورد جامی و آثارش نوشته شده است می توان به «جامی خاتم الشعرا» اثر علی اصغر حکمت و «از سعدی تا جامی» اثر همان نویسنده اشاره کرد. البته در خارج از ایران هم کتابهایی به زبان فارسی دربارهٔ این شاعر نوشته شده است که بیشتر به اندیشه های شاعر و بعد عرفانی آثار پرداخته شده است که به عنوان مثال از دواتر از عبدالحی حبیبی به نامهای «اندیشهٔ جامی» و «نگاه به سلمان و اقبال جامی و سوابق آن» و «جامی و ابن عربی» اثر محمد اسماعیل مبلغ

اشاره کرد که در کابل منتشر شده است. گاهی نیز ابعاد و سابقه‌داستانی آثار شاعر مدنظر قرار گرفته است مانند نگاهی که علی خیامپور در اثر «یوسف و زلیخا» دارد.

پایان نامه های متعددی درباره آثار و احوال جامی نوشته شده است که بیشتر آنها به مقایسه آثار شاعر با آثار دیگر شاعران پرداخته اند و یا محتوای آثار مورد توجه محققان بوده است و بعضی هم آثارش را تصحیح کرده اند. در زمینه شرح لغات و اصطلاحات می توان از پایان نامه کارشناسی ارشد سمیه رضایی زاده با موضوع شرح مشکلات سلسله الذهب جامی، ۱۳۸۴ دانشگاه شهید باهنر کرمان و پایان نامه کارشناسی ارشد ملیحه پیشوا با عنوان شرح ابیات لغات و ترکیبات دو مثنوی تحفه الاحرار و خردنامه اسکندری جامی، ۱۳۸۴ دانشگاه شیراز نام برد.

موضوع رساله دکترای هاشم محمدی فرهنگ نامها در داستانهای غنایی منظوم از فخرالدین اسعد گرگانی تا جامی می باشد که در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه شیراز به راهنمایی منصور رستگار فسایی انجام شده است. از آنجا که منظومه های «یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون» در بر دارنده تلمیحات و اشارات قرآنی و اساطیری و نیز اصطلاحات و اعلام مختلف بود و تا هم اکنون نیز تاجایی که حقیر اطلاع حاصل نمود این دو منظومه با این رویکرد مورد توجه نبوده است در این رساله بر آنیم تا به توضیح تلمیحات، اشارات و اصطلاحات در منظومه های «یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون» عبدالرحمن جامی پردازیم.

روش کار:

گردآوری و تنظیم این رساله در سه مرحله سه ماهه انجام پذیرفت در مرحله اول که مرحله فیش برداری بود به جهت دغدغه حقیر تا مبدا آنچه از مواردی که لازم به ذکر است از قلم افتد در پی چند مرتبه مطالعه و بررسی منظومه های یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون در مدت سه ماه انجام شد که در این مدت تمامی مواردی که به نظر می آمد در مقوله تلمیحات، اشارات و اصطلاحات قرار می گیرد از متن استخراج گردید و ابیات شاهد با شماره صفحه مشخص شد. لازم به یادآوری است که تنظیم این رساله بر اساس هفت اورنگ عبدالرحمن جامی به تصحیح مرتضی مدرس گیلانی صورت گرفته است. در سه ماهه دوم توضیحات موارد استخراج شده از منابع مختلف گردآوری شد که در این مرحله کمبود منابع و مآخذ از جمله مشکلات اصلی می نمود. اما تا آنجا که مقدر وسع اندک حقیر بود تلاش گردید تا مطالب مستند به اسناد مورد وثوق و معتبر باشد تا در حین ادای وظیفه شاگردی برای مراجع و مخاطب نیز سودمند افتد. برای ترجمه آیات قرآنی ترجمه کشف الاسرار و عده الابرار رشیدالدین میبیدی مورد نظر بوده است و در مورد احادیث و رجال نیز تلاش

شده است تا از منابعی چون الاستیعاب، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، وسائل الشیعه، کافی، عوالی اللالی، مستدرک وسائل و من لا یحضره الفقیه و... استفاده شود. و در قسمتهای مربوط به اصطلاحات و اعلام نیز فرهنگهای تخصصی هر قسمت معیار کار بوده است. در سه ماه آخر، تدوین فصول و بخشهای رساله و تایپ و آماده سازی برای ارائه صورت گرفت. اما مسلّم است که تلاش اینجانب در گردآوری این پایان نامه و قلم به دست گرفتن در فضای ادبیات عظیم پارسی همان حکایت «مور است بر بلندای اهرام» امید دارم تا اساتید بزرگوار و صاحب نظران ادب پارسی پوزش حقیر را به جهت همه مشکلات و کمبودهایی که در این رساله است بپذیرند و با راهنمایی ها و روشنگری های خویش، در تکمیل و ارتقای این اثر یاریم نمایند چرا که «آفتاب دریغ نمی کند» قدر مسلّم این است که بضاعت اندک حقیر را یارای آن نبوده و نیست تا در این پهنه گام نهم و آنچه محقق شد تلاش، مددسانی و بزرگواری اساتید ارجمند جناب آقای دکتر واثق عباسی استاد راهنما و جناب آقای دکتر زهرازاده، استاد مشاور این رساله بوده است. بذل حوصله و عنایت ایشان و اساتید بزرگوار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان را که در این مدت از سرچشمه معرفتشان بهره برده ام می ستایم و از خداوند می خواهم تا به بنده حقیر آن توفیق عطا کند تا آنچه از وظیفه شاگردی به عهده دارم به انجام رسانم.

نشانه های اختصاری

معانی و مفاهیم	نشانه های اختصاری
جلد	ج
نگاه کنید به	ن.ک
شمسی	ش
قمری	ق
هجری	ه

نشانه های اختصاری مربوط به کتابها

نشانه های اختصاری	معانی و مفاهیم
مصادر اللغة	فرهنگ مصادر اللغة
المنجد	فرهنگ عربی فارسی منجد الطلاب
أنند راج	فرهنگ آنند راج
برهان	برهان قاطع
جعفری	فرهنگ جعفری
نظام	فرهنگ نظام
لغ	لغت نامه دهخدا
غیاث	غیاث الغات
معین	فرهنگ فارسی معین

فصل اوّل : آیات واحادیث

احسان:

نمیشاید درین دیر پر آفات جز احسان اهل احسان را مکافات

(ص ۶۸۵)

زیرا که زمهر مهر زاید آیین وفا وفا فزاید

(ص ۹۰۰)

اشاره دارد به آیه شریفه « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ » الرحمن : ۶۰: هست پاداش نیکویی

مگر هم نیکویی...؟ (میبدی، ۱۳۵۷، ج ۹: ۴۲۴)

ارحَمُ تُرَحِمُ:

ارحَمُ ترحم شنیده باشی خاصیت رحم دیده باشی

(ص ۸۰۹)

اشاره دارد به حدیثی از حضرت رسول (ص): ارحم من فی الارض یرحمک من فی السماء (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۴: ۳۸۰) به کسی که در زمین است رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم کند. نیز، ارحموا ترحموا. (فروزانفر، ۱۳۴۷: ۷): رحم کنید تا مورد ترحم قرار گیرید.

اعتبار:

جهان را دیدی و فصل بهارش بین و از خزان گیر اعتبارش

(ص ۷۳۸)

فی تصاریف الدنيا اعتبار. (تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۷۲): درد گرگونی های روزگار عبرتهایی است.

افلاک:

سوگند به ذات ایزد پاک گردش ده چرخهای افلاک

(ص ۷۸۱)